

## بررسی متن بیاض خوشبویی بر مبنای رویکرد نقد متنی

دکتر حسن قوامی<sup>۱</sup>

دکتر عبدالله رادمرد<sup>۲</sup>

دکتر سلمان ساکت<sup>۳</sup>

### چکیده

در متن‌شناسی و تصحیح سنتی از دانش لغت‌شناسی و اجتهاد مصحح در شناخت متن برای تحلیل کیفیت‌های متنی استفاده می‌شود. بیاض خوشبویی، متنی حکمی - طبّی و آموزشی است که نسخه یگانه آن در «دیوان هند لندن، به شماره ۸۲۸» نگاهداری می‌شود. در این جستار، برای نقد اثری کمتر شناخته شده، بر مبنای رویکرد نقد متنی و روش تحلیل کیفی، الگوی شناخت‌نامه تحلیلی اثر ترسیم شده است. مطابق این الگو، متن از حیث شناسنامه متن‌شناختی، نقد منابع، روش تصحیح مرتبط با هویت نسخه‌شناختی، تحلیل محتوا و از حیث سبک زبانی - ادبی نثر مؤلف در سطوح سه‌گانه واژگانی، نحوی و بلاغی بررسی شده است. نتایج این بررسی، نشان داد که متن جنگی علمی با رویکرد دوگانه تعلیمی و کاربردی است. تک‌نسخه بودن آن به سنت تکمله‌نویسی متون علمی مرتبط بوده و در شکل بیرونی یک بیاض و در شکل درونی یک دانشنامه مبوّب است. جنبه دیوانی اثر به همراهی اغراض زیباشناختی و آموزشی، به کیفیت غیریکنواخت نثر در دیباچه (فنی و مزین) نسبت به ابواب آن (نثر مرسل) انجامیده است.

**کلیدواژه‌ها:** بیاض خوشبویی، جنگ علمی، نقد متنی، تصحیح قیاسی، شناخت‌نامه تحلیلی، تکمله نویسی.

Ghavamih@mums.ac.ir

۱. استادیار گروه دروس عمومی (زبان و ادبیات فارسی) دانشگاه علوم پزشکی مشهد

Radmard@ferdowsi.um.ac.ir

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

Saket@ferdowsi.um.ac.ir

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

## مقدمه

## طرح مسئله

نقد و تصحیح متون با وجود پیشینه دیرینه‌ای که در اقلیم فرهنگی ما داشته است، در سامان کنونی پژوهشی و آموزشی، هنوز از حیث مبانی نظری علمی جایگاهی به‌سزا ندارد. جایگاه تجربه و اجتهاد در دانش تصحیح، جایگاهی غیرقابل انکار است، اما فقدان مبانی نظری مستقل و رویکرد تجربی محض، گاه سبب می‌شود که ذوق و اجتهاد مصحح جایگزین استدلال شود.

مبانی نظری مستقل در دانش تصحیح شکل نخواهد گرفت، مگر آن‌که همسو و همپای گسترش عملی این دانش و صنعت، پشتوانه نظری آن نیز فراهم گردد و توان پاسخ‌گویی به نیازهای برخاسته از پیچیدگی‌های سرشتینه و طبیعی آن را دارا شود (جهانبخش، ۱۳۸۷: ۲۸). تصحیح متون گذشتگان، کار آسانی نیست و گاهی بیش از نگارش همان متن، نیازمند دقت و ژرف‌نگری است؛ این نگاه از گذشته‌های دور در فرهنگ اسلامی وجود داشته است؛ چنان‌که جاحظ بصری گفته است: «و لربما أراد مؤلف الكتاب أن يصلح تحريفاً أو كلمةً ساقطة، فيكون إنشاء عشر ورقات من حر اللفظ و شريف المعاني أيسر عليه من إتمام ذلك النقص حتى يرد إلى موضعه من اتصال الكلام» [چه بسا یک مؤلف کتاب وقتی بخواهد تحریف یا کلمه افتاده‌ای را اصلاح کند، نگارش ده برگ کتاب به صورت آزاد و (خلق) معانی بلند برای او از برطرف کردن آن کاستی آسان‌تر است؛ به ویژه بدان‌گونه که (بخواهد) آن اصلاح را در جای خودش قرار دهد و پیوند سخن گسسته نشود.] (هارون، ۱۳۸۵: ۴۸؛ شاکر، ۱۴۱۵ق: ۸ و ۹؛ با اندکی تصرف).

هدف اولیه تصحیح سستی متون، احیا و آماده‌بهربرداری کردن نسخ خطی نگارش‌های پیشینیان در قالب متون ساده‌تر برای خواندن بوده است. تهیه و تدوین نسخه‌ای مانند نسخه اصل یا نزدیک به آن، به محققان اطمینان می‌دهد که اگر اصل یک اثر را در اختیار ندارند، نسخه‌ای را منطبق با اصل متن یا بسیار نزدیک به آن در پیش‌رو خواهند داشت؛ نسخه‌ای که تصرفات کاتبان در آن به حداقل ممکن برسد. شناخت انواع تصرفات ناسخان در متن و طبقه‌بندی این تصرفات، کاری پیچیده و دشوار و نیاز به تخصص، صرف وقت و حوصله فراوان دارد. شاید از همین روی، برخی متن‌شناسان اقلیم فرهنگی ما کمتر به آن توجه کرده‌اند. «در واقع، تصحیح متون چیزی جز توجه به علل عدم دقت نسخه‌بردار نیست» (ساماران، ۱۳۷۵: ۹۵).

رویکرد علمی به تصحیح از چند سده پیش در غرب شروع شد و امروزه دیگر تصحیح یا بررسی انتقادی متن، فنی برای نشر و صرفاً احیای کتب کهن نیست، بلکه دانش گسترده‌ای برای شناخت طبیعت متون از طریق نسخ آن‌هاست که از آن به «نقد متنی» (Textual Criticism) یاد می‌شود. این دانش در ابتدا برای آثار باستانی و کتاب مقدس، و سپس (از سده ۱۸) برای آثار ادبی کلاسیک به کار رفت. مبانی نظری نقد متنی شامل تلاش منتقد-مصحح برای نیل به اهداف و بنیان‌های انتقادی ذیل است:

الف- **تنظیم شناخت‌نامه تحلیلی برای معرفی متن هدف**: یک چهارچوب سبک‌شناختی عملی برای تحلیل متن که شناخت بهتر چگونگی ایجاد و انتقال تاریخی متون و شناخت عوامل درونی و بیرونی ایجاد تنوع در نسخه بدل‌های یک متن را امکان‌پذیر می‌سازد و علاوه بر بررسی نسخ یک متن، در گام دوم، به بررسی آثار دیگر مؤلف، از یک سو، و بررسی آثار نزدیک به متن، از حیث سه عامل ژانر، زمان و مکان (به ترتیب اولویت و اهمیت) تسری می‌یابد.

ب- **تصحیح انتقادی متن**: بررسی عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر تنوع دگگون‌های متن در نسخ یا لغزش و تخریب و تشویش بدل‌های ضبط‌های متن و اولویت بندی آنها و تصحیح متن بر مبنای نظام منطقی مستخرج از این اولویت‌بندی و ارائه استدلال‌های لازم برای این انتخاب‌ها که مسیر تصحیح متن را بر خلاف تصحیح سنتی از مسیر تجربه صرف خارج می‌کند.

ج- **مطالعات متنی در ارتباط با مؤلفه‌های سبکی**: رویکردهای جدید نقد متنی مبتنی بر پژوهش‌های زبان‌شناسی-سبک‌شناسی است. زبان‌شناسی با استفاده از دانش زبانی و سبک‌شناسی با استفاده از ظرفیت خود برای تحلیل متن، نتایجی درخور برای تفسیر و نقد متون به دست می‌دهد و دریافت‌های نوینی را از متون ادبی و حتی غیرادبی ارائه کرده است. بر خلاف متن‌شناسی سنتی که متن را تنها در چهارچوب فیلولوژی و معناشناسی و تنوع ضبط بررسی می‌کرد، در متن‌شناسی جدید، با استفاده از دو بال «زبان‌شناسی» و «مطالعات متنی»، نقد متن رویکردهای جدیدی را شکل داده، یافته‌های متفاوتی را برای تحلیل در اختیار پژوهشگر می‌گذارد.

د- **نقد منابع متن هدف**: تحلیل درباره منابع نسخ متن و تنوع متنی محتوای این کتب و بررسی تأثیر و تأثرات متون نزدیک بر متن هدف و نسبت هر شاخه از نسخ متن با این منابع.

ه- **تحلیل بافت غیرزبانی متن هدف:** در تحلیل متن‌های ادبی افزون بر جنبه‌های صوری و واژگانی، عوامل گوناگون فرهنگی اجتماعی و سیاسی نقش دارند. در یک متن و در لابلای سطور آن با گفتمان‌ها یا متن‌های وابسته و ایدئولوژی و فرهنگ‌های خاص مواجهیم. در این میان، نخستین و اساسی‌ترین مؤلفه‌ای که زبان متن را متأثر می‌کند، بافت اجتماعی- فرهنگی جامعه مؤلف آن متن است که از آن به «بافت غیر زبانی» تعبیر می‌شود و نظام معنایی و واژه‌های زبان را به شدت متأثر کرده، جهان متن را بازتعریف می‌کند. زبان در یک متن، ابزاری برای ایجاد تأثیری ویژه در نظر نویسنده و حاصل کارکرد بافتی خاص است که او در آن نقشی بر عهده داشته است. به همین دلیل در تحلیل یک متن، علاوه بر بافت متن، که عبارت است از ویژگی‌های موجود در یک متن مانند صداها، واژه‌ها، جملات و عبارت‌های زبانی (ویژگی‌های صوری متن و «درون‌متن»)، باید به بافت موقعیت غیر زبانی (ویژگی‌های «برون‌متنی» اثرگذار بر زبان و سبک) نیز توجه کرد (فالر، ۱۳۹۰: ۱۰۱؛ وردانک، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۰). بدین ترتیب برای درک جنبه‌های زبانی و بافت زبانی آثار ادبی باید افزون بر جنبه‌های صوری، لغوی، ادبی و واژگانی، به عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی توجه کرد و از توصیف زبانی گام فراتر نهاده و نگاهی کارکردگرایانه به متون داشت (Fairclough, ۲۰۰۵: ۲۸). منتقد با این نگاه «... به دنبال دست یافتن به مشخصه‌هایی است که بتوان از آن طریق به دنیای تجربیات ذهنی و تفکرات فرد دست یافت.» (فقیری و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۲). بدین ترتیب، اگر چه تحلیل بافت غیرزبانی فی‌نفسه در شمار مبانی اصلی نقد متنی نیست، در متن‌شناسی مدرن، برای نقد متنی یک متن، آن را از منظر «درون‌متن» (بافت زبانی و سبکی) و «برون‌متن» (بافت موقعیت غیرزبانی) تحلیل می‌کنند.

بدین ترتیب نقد متنی در غرب اگر چه در حوزه کتب مقدس، به عنوان یکی از زمینه‌های تحلیل درباره منابع و تنوع متنی محتوای این کتب و تصحیح آنها آغاز شد، در سده‌های پسین، از حیث دامنه، به متون ادبی و تاریخی و انواع دیگر متون کلاسیک یا کهن رسید و از حیث روش نیز به نقد و تحلیل برون‌متن، در خدمت درون‌متن، ارتقا یافته است (ر.ک: Tanselle, ۱۹۸۶: ۱-۴۶; Ehrman, ۲۰۰۶: ۲۹; Greg, ۱۹۵۰: ۱۹-۳۶).

در قرن اخیر با رویکرد دانشمندان شرقی به فرهنگ گذشته خود، متن‌شناسی نیز تبدیل به یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعات علوم انسانی شده است. البته هدف رشته متن‌شناسی، همچنان کشف

آثار گران بها و توجیه علاقه فراوان مردمان شرقی به گنجینه‌های ملی خویش بوده است (نقل از: افشار، ۱۳۷۸: ۵۵۱/۱۳)؛ همین باعث شده که مبانی نظری نقد متنی، بر خلاف رویکرد سنتی تصحیح متن، هنوز در جوامع شرقی، از جمله ایران، جوان و ناشناخته مانده است.

جستار حاضر، با درک چنین ضرورتی با رویکرد نقد متن‌شناختی به بررسی متن هدف (بیاض خوشبویی: اثری که تا کنون تصحیح و چاپ نشده است) پرداخته است. در مطالعه نسخه‌شناختی متن نیز، ضمن تلاش برای تنظیم شناخت‌نامه تحلیلی متن، نقد منابع و ترسیم روش تصحیح آن کوشیده‌است، در مسیر انجام مطالعات متنی در ارتباط با مؤلفه‌های سبکی، به سویه دوم این زمینه‌های جدید، یعنی «مطالعات متنی در ارتباط با مؤلفه‌های سبکی» بپردازد. همچنین برای فرو نگذاشتن تحلیل بافت غیرزبانی متن نیز کوشیده شده است، از رویکرد نقد متنی مبتنی بر شناخت متن در دو سطح «درون‌متن» و «برون‌متن» و برای تهیه شناخت‌نامه تحلیلی متن، از روش تحلیل لایه‌ای متن استفاده شود؛ روشی که مطابق آن «برای تحلیل ویژگی‌های یک متن می‌توان به لایه آوایی، لایه واژگانی، لایه نحوی، لایه معنی‌شناسیک و لایه کاربردشناسیک قائل شد.» (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۰: ۲۳۷). در این روش ضمن تحلیل روساختی نسخ متن، ژرف‌ساخت معنا را نیز که نویسنده آن را منتقل می‌کند، در سطوح تنوع نسخه‌شناختی متون تحلیل می‌کنند.

در این جستار چهارچوب نقد متنی متن بررسی شده، بر مبنای شناخت‌نامه تحلیلی متن، در دو سطح «درون‌متن» و «برون‌متن»، به شرح زیر تبیین می‌شود:

#### متن‌شناسی بیاض خوش‌بویی / برون‌متن

الف- متن‌شناخت-نسخه‌شناخت (بررسی نسخه‌شناختی)، ب- نقد منابع، ج- روش تصحیح

#### متن‌شناسی بیاض خوش‌بویی / درون‌متن

الف- تحلیل محتوای متن

ب- تحلیل سطوح زبانی- ادبی متن در سه سطح: واژگانی / نحوی / بلاغی

اجزای الگوی فوق، در بخش تحلیل عملی بررسی خواهد شد.

## پیشینه تحقیق

درباره تلاش‌هایی که در مسیر شناساندن این اثر تا کنون صورت پذیرفته است، می‌توان به کوشش عارف نوشاهی (۱۳۸۰) اشاره کرد که در دیباچه مؤلف و گزیده‌ای از باب هشتم (در رنگ‌های الوان از کاغذ و غیره) و دوازدهم (در اسباب کتابخانه از قلمدان و غیره) این بیاض را، که شامل مطالبی در خصوص کتاب‌آرایی و کتاب‌سازی است، در مقاله‌ای تحت عنوان «بیاض خوشبویی در شرح اسباب و لوازم فرهنگ و تمدن شبه قاره در دوره تیموریان» در شماره دوم، سال دوم، نشریه نامه بهارستان به سال ۱۳۸۰ منتشر کرده است.

همچنین در مقاله «بیاض خوش‌بویی، از منابع چاپ‌نشده گورکانی در طراحی باغ» به قلم گووین بیلی<sup>۱</sup> که ترجمه‌ای از آن به کوشش اردشیر اشراقی در سال ۱۳۸۷ در نشریه گلستان هنر، صفحات ۱۰۰ تا ۱۰۹ به چاپ رسیده است، به فصل هفتم (در ساختن عمارات و باغ) بیاض خوش‌بویی اشاراتی شده است.

جدا از پیشینه مطالعاتی درباره متن (پیشینه محتوا)، در خصوص روش این جستار (استفاده از نقد متنی و مطالعات نظری و سبکی در عملیات تصحیح) متأسفانه هنوز در مطالعات متن‌شناختی در ایران رویکردی جدی بین متن‌پژوهان شکل نگرفته است. با وجود گستردگی دامنه مطالعات متن‌شناختی و قدمت تصحیح متون در ایران، هنوز رویکرد سنتی و فاقد مبنای نظری مستقل در تصحیح متون فارسی غلبه دارد. از کارهای انجام شده در مسیر نقد متنی متون فارسی با مبنای نظری، می‌توان به دو مقاله «معرفی انتقادی، متن شناسی و نقدمتنی حماسه ناشناخته شاهنامه اسدی» و «متن شناسی انتقادی (نقد متنی) نسخ یکی از نظیره‌های شاهنامه فردوسی (شاهنامه اسدی) و...» از فرزاد قائمی اشاره کرد. نویسندگان در مقاله نخست، به تجزیه و تحلیل شناخت‌نامه متن در سه لایه اصلی نحوی، واژگانی و بلاغی و در مقاله پسین، بر مبنای نظریه ۱۲ گام آکند، در اولویت‌سنجی نسخه بدل‌های متون، به بررسی کمی و کیفی تفاوت‌های نسخ متن و انتخاب روش تصحیح متن، بر مبنای اصول این نظریه و یافته‌های تحقیق پرداخته است. در این جستار، پس از نسخه شناسی بیاض خوشبویی، کیفیت‌های درون‌متنی و برون‌متنی متن، ارزش نسخه، روش تصحیح و شناخت‌نامه تحلیلی متن، با نگاه به تعامل هر بخش با دیگر بخش‌ها، بر پایه نقد متنی بررسی شده است.

## ۳- بررسی نسخه‌شناسی متن

نسخه منحصراً به فرد بیاض خوشبویی در دیوان هند<sup>۱</sup> لندن به شماره 828 نگهداری می‌شود. اثر مزبور با خط نستعلیق خوش، عنوان‌ها شنگرف، به قلم محمد اعظم در تاریخ 6 شعبان 1109 هجری در 183 برگ و در هر صفحه 11 سطر نگارش یافته است. نام مؤلف بیاض خوشبویی، به صورت دقیق روشن نیست و اثر مزبور علی‌رغم دیباچه مستقل و تبویب و ترقیم، نام نگارنده را در بر ندارد، ولی با توجه به نام‌ها، اصطلاحات، اوزان و مقادیر هندی که در کتاب به کار رفته است، می‌توان ادعا کرد که نگارنده اهل شبه قاره هند و فردی طبیب و داروساز بوده است؛ چنان که می‌گوید: «نسخه منشط اختراع حکیم جالینوس که همیشه مستعد می‌کنم» (برگ ۱۲) و در جای دیگر باز همین مطلب را تکرار کرده و می‌گوید: «نسخه منشط من اختراع جالینوس حکیم علی که همیشه مستعد می‌کنم» (برگ ۵۶).

در این نسخه سه بار تاریخ‌ها ضبط شده است؛ در جایی از آن چنین آمده است: «اسامی رنگ‌ها که در حضور منخدمی شاه ظهیرالدین محمد ساخته شد به تاریخ غره صفر سنه ۱۰۵۰» (برگ ۱۱۹). در جای دیگری چنین اشاره شده است: «حقیقت سیاهی که به تاریخ غره محرم سنه ۱۰۵۲ بعد از ساختن جمیع سیاهی‌ها ری گرفته شد» (برگ ۱۲۲) و در یک جا نیز آمده است: «کلانی منقل به تاریخ غره شعبان سنه ۱۰۳۹ ری گرفته شد» (برگ ۱۳۴).

در بیاض خوشبویی بیشتر از واحدهای وزی چون «سیر اکبری» و «سیر جهانگیری» و «سیر شاهجهانی» سخن به میان آمده است و به همین دلیل نگارش آن را باید مربوط به عصر شاه جهان (۱۰۶۹-۱۰۳۷ ه.ق.) دانست. بیاض خوشبویی، اثری بنیادین در شرح لوازم و اسباب فرهنگ و تمدن تیموریان در شبه‌قاره است (نک؛ نوشاهی، ۱۳۸۰: ۱۸۹).

تشخیص تاریخ نسخه‌های خطی نیز در متن‌شناسی نسخه بسیار دشوار و در عین حال مهم است. در ترقیمه بیاض خوشبویی در برگ ۱۸۲، این عبارت دیده می‌شود: «به تاریخ ششم و دوم شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۰۹ هجری مطابق سنه ۴۱ جلوس والا عالم‌گیری اتمام یافت. کتبه فقیر احقر العباد خاکسار محمد اعظم غفر له و ستر عیوبه». نکته قابل تأمل در این ترقیمه، اشتباه غیر عمدی

است که کاتب در نوشتن «و دوم» مرتکب شده و در ادامه خود متوجه این خطای سهوی شده و بالای این کلمه، به خط ریزتر کلمه «لا» را نوشته است و تاریخ ششم شهر شعبان المعظم صحیح است. گووین بیلی، نویسنده مقاله «بیاض خوشبویی از منابع چاپ نشده گورکانی در طراحی باغ» بیان می‌دارد: «بدین سبب، نگارنده از اینکه در نسخه چاپ نشده‌ای به نام بیاض خوشبویی، متعلق به اوایل دوره شاهجهان گورکانی، به فصلی در طراحی باغ و کوشک‌های باغ برخورد، شوق زده شد. ذکر از این اثر در کتاب استفان بلیک<sup>۱</sup> آمده است؛ با این عبارت که یکی از فصل‌هایش حاوی «مطالبی است مشتمل بر ۲۵ کتاب عربی و فارسی که هر نجیب‌زاده گورکانی باید از آنها در کتابخانه‌اش می‌داشت، نگارنده را به سوی این کتاب کشاند؛ اگرچه چنین ذکر می‌موجب نوعی سر خوردگی می‌شد، چه صرفاً فهرستی بود از ۲۵ عنوان کتاب معمولی که نام‌های مبتدلی را از پری‌چهره گرفته تا شوق‌انگیز در برمی‌گرفت، فصل مربوط به طراحی باغ از آنچه در مآخذ بلیک و عرفان حبیب آمده بود، درخور توجه بیشتری می‌نمود» (بیلی، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

نویسنده و مؤلف کتاب را، نخست نباید از نوشته خود وی در متن کتاب شناخت یا شاگرد و راوی و مستملی و مجاز و مورخ و سرگذشت نگار آن را معین می‌کند، یا این که در نسخه از مؤلف نام برده شود. از روشی که علمای درایه‌الحديث مانند نووی، ابن حجر و شهید ثانی در تعیین مؤلف کتاب یاد کرده‌اند، نیز می‌توان بهره برد (ر.ک: پیش‌نمازاده، ۱۳۸۱: ۴۴).

بر پایه جستجوهای انجام گرفته، ابتدا تصور بر این بود که از بیاض خوشبویی، دو نسخه خطی برجای مانده است که احتمالاً در همان دوران نگارش یا اندکی پس از آن، به کتابت در آمده‌اند؛ یکی از این نسخه‌ها با ۳۶۴ صفحه و با مشخصه NO 828/ E the 27 84 در دانشگاه اسلامی علیگر هند و دیگری در کتابخانه دیوان هند لندن در ۱۸۳ برگ و به شماره ۸۲۸ نگاهداری می‌شود. پس از یک بررسی کلی، معلوم شد که هر دو نسخه بیاض خوشبویی از نظر شمار صفحات، تطبیق عناوین و نیز خط کتابت، بسیار به یکدیگر نزدیکند و بر پایه ترقیمه، کاتب هر دو، شخصی به نام محمد اعظم است؛ بنابراین، هر دو نسخه مذکور (کتابت هر دو شعبان ۱۱۰۹ هـ.ق.) یکی است و همان‌طور که عارف نوشاهی در مقدمه نسخه برگردان این اثر بیان داشته است، این نسخه منحصر به فرد است و یکی از این دو اصل و دیگری، میکروفیلم است.

1. Stephen Blake, Shahjahanabad: The Sovereign City in Mughal India 1639-1739, p. 48.



در مقدمه مقاله اشاره‌ای کوتاه به تلاش عارف نوشاهی شد؛ در توضیح بیشتر باید بیان داشت که اخیراً نسخه‌برگردان بیاض خوشبویی از روی دستنویس کتابخانه ایندیا آفیس - لندن، ش ۸۲۸ به‌اهتمام دکتر یوسف بیگ باباپور و با مقدمه دکتر عارف نوشاهی به چاپ رسیده است. اصل این نسخه که در کتابخانه دیوان هند لندن نگهداری می‌شود، با خط نستعلیق خوش و به قلم محمد اعظم کاتب، کاتب شده است و عنوان‌ها نیز سنگرف است و همان‌طور که گفته شد، در ترقیمه کتاب، به تاریخ ۶ شعبان سال ۱۱۰۹ هـ. ق. در ۱۸۳ برگ و در هر صفحه ۱۱ سطر، نوشته شده است.

بدین ترتیب، بیاض خوشبویی نسخه فارسی چاپ‌نشده‌ای است متعلق به اوایل دوره شاه‌جهان گورکانی در هند، که نویسنده‌اش ناشناخته است. این کتاب جنگی از دانستنی‌های لازم برای اشراف و درباریان گورکانی است.

#### ۴- نقد منابع متن

همچنان که در مرور مبانی نظری نقد متنی گفته شد، یکی از اصول، اهداف و ضروریات نقد متنی متن هدف، نقد منابع متن و نسخ آن است. یکی از زمینه‌های پژوهشی نقد منابع، وقتی هدف تحلیل منابع یک نسخه باشد، استفاده از رویکرد نقد متنی و بحث درباره نسبت متن با نسخ متقدم است. در نقد منابع یک نسخه، ابتدا نسبت نسخ متن با یکدیگر در شجره نسب نسخ (در صورت وجود نسخ متعدد) و سپس نسبت متن موجود در نسخه با متون دیگر، در نقش منابع احتمالی نسخه یا متن ارزیابی می‌شود. «این سخن مشهور که اساساً در مورد قرآن گفته شده «القرآن یفسر بعضه بعضاً» در مورد بسیاری از کتابهای مهم و کلاسیک هم صادق است» (یاحقی و سیدی، ۱۳۸۸: ۱۳۴)، لیکن جدای از خود متن، متون و کتب نیز مفسر یکدیگرند و می‌توان مشکلات آنها را از روی یکدیگر حل کرد؛ بنابراین در نقد منابع و تصحیح متون باید از کتاب‌هایی که با متن مورد نظر رابطه نزدیک دارند در رفع مشکلات متن استفاده کرد.

بیاض خوشبویی مجموعه‌ی نظیری درباره شرح لوازم و اسباب فرهنگ و تمدنی است که پادشاهان تیموری آن را در شبه قاره هند به‌وجود آورده‌اند و نویسنده آن با استفاده از منابع مکتوب و روایت‌های شفاهی ترکیب‌ها و روش‌هایی در چگونگی ساخت و تهیه لوازم مذکور گردآوری کرده است. عارف نوشاهی در مقاله خود (۱۳۸۰: ۱۸۹) به این موضوع اشاره کرده است که منابع مؤلف

بیشتر از دو نوع بوده است: منبع ثابت از گونه کتاب و نوشته‌هایی که در دسترس مؤلف بوده است و مآخذ غیرثابت از نوع «به فرموده فلان شخص» و «نوشته فلان شخص» و «تقریر کرده فلان شخص». بدین ترتیب منابعی که مؤلف بیاض خوشبویی از آن استفاده کرده، دو نوع بوده است: منابع متنی مشخص مانند کتاب و دست‌نوشته‌ها و منابع غیرمشخص که نقل قول و افعال و اعمال اشخاص است که با تعبیری چون «ساخته فلان شخص، راست کرده فلان شخص و یا تقریر و بیان فلان شخص» از آنها یاد کرده است. همه اشخاصی که نام می‌برد از حکیمان و طبیبان معروف آن زمان بوده‌اند که شرح حالشان با اندکی جستجو در کتاب‌های تذکره قابل دستیابی است. با توجه به عدم وجود تعدد نسخ در این متن، نسبت متن با متون محتمل منبع ارزیابی شده است و از منابع مکتوب و مشخص احتمالی اثر، متون ذیل مشخص شده‌اند:

اکبرنامه، بیاض نواب حکیم همام که به خط خاص ایشان به فرموده حکیم عمادالدین محمود نوشته بود، طب شهابی، بیاض خان زمان، اسرار النساء، مجموعه مسیح‌الزمانی حکیم ابوالقاسم که وی نیز از مجموعه استاد خود حکیم علی گیلانی نقل کرده است، اختیارات بدیعی، بیاض حکیم عبدالله، بیاض رشیدخان و...

از منابع غیرمکتوب می‌توان به نمونه‌هایی چون تقریر میرزاقلی، تقریر شیخ فرید بهاری، راست کرده مخدوم قاضی سمن، تقریر گوهرخانم، فرموده خواجه عبدالغفور بلخی، ساخت بندهی صف شک خان، فرموده اخوی میرزا امینا و... اشاره کرد. البته در خاتمه باید افزود که استفاده مؤلف بیاض خوشبویی از منابع در سطح محتواسست و نثر یکدست کتاب از حیث کیفیت‌های نحوی (و نه بلاغی که در مقدمات کتاب/ ابواب بیشتر است) حاکی از نوشتار نویسنده واحد است که داده‌های منابع را غیر مستقیم و با قلم خود ضبط کرده است.

#### ۵- روش تصحیح

در بخش مبانی نظری نقد متنی گفته شد که یکی از عملی‌ترین اهداف نقد متنی، بحث و استدلال درباره کیفیت‌های نسخه‌شناختی متن هدف، تنوع یا عدم نسخ آن و دلایل وجود این حالت در یک متن است. نقد متنی، تصحیح متن را بر مبنای استراتژی مستخرج از همین کیفیت‌های متنی امکان‌پذیر می‌کند.

بیاض خوشبویی تا کنون به طور کامل تصحیح و چاپ نشده است. در حوزه تصحیح متن‌های فارسی و عربی، چهار شیوه به رسمیت شناخته شده است: ۱- شیوه تصحیح بر مبنای نسخه اساس؛ ۲- شیوه تصحیح التقاطی؛ ۳- شیوه بینابین؛ ۴- شیوه تصحیح قیاسی. از آن‌جا که بیاض خوشبویی، تنها منحصر به یک نسخه خطی است، به فرض وجود ضبط‌های نادرست در نسخه یادشده، چاره‌ای جز استفاده از روش تصحیح قیاسی نیست؛ روشی دشوار که متکی به قریحه نکته‌سنج و نیازمند جستجوهای پیگیر و مداوم است. مقصود از تصحیح قیاسی، اصلاح و تصحیح ضبط‌های نادرست است که با مؤیدات واژگانی، زبانی، بافت و ساخت معنایی نگارش‌های عصر مؤلف و یا آثار قریب‌العهد وی، تأیید و تثبیت شود. شیوه تصحیح قیاسی معمولاً در جایی به کار می‌رود که تنها یک نسخه از اثری باقی مانده و آن نسخه هم چندان صحیح و مضبوط نیست. در این شیوه، پژوهش‌گر از قوه حدس و قیاس در تشخیص ضبط‌های صحیح بهره می‌برد. در مواردی هم که شیوه کلی تصحیح متن، بر مبنای نسخه اساس یا التقاطی یا بینابین است، ولی ضبط هیچ‌یک از نسخه‌ها صحیح نیست، باز باید در همان محدوده، به تصحیح قیاسی دست یازید. «تصحیح قیاسی محتاج اهلیت و تخصص و ممارست و احتیاط و دقت فوق‌العاده است. باز از همین روی، حتی مصححان و محققان خبیر و کاردان، حتی المقدور از تصحیح قیاسی پرهیز می‌کنند و جز به هنگام ضرورت تمام، به سراغ آن نمی‌روند» (جهانبخش، ۱۳۸۱: ۱۲۰). در مواجهه با یک متن، ما مختار نخواهیم بود که هر شیوه‌ای را برای تصحیح آن برگزینیم، بلکه تنها یک شیوه، با هر متن متناسب است.

مصحح باید میان تصرفات سهوی («غیرارادی») و عمدی («ابداعی») کاتبان فرق بگذارد؛ به‌عنوان مثال، اثر خستگی و کسالت و خواب‌آلودگی کاتب را بر کارش پی بگیرد و با دقت دریابد که در بخشی از متن، شمار اشتباهات کاتب به تدریج افزایش یافته و سپس ناگهان قطع شده است. از همان‌جا هم تفاوتی در قلم و مرکب احساس می‌کند که از نظر یک متن‌شناس زبده، این تغییرات ممکن است نشان‌گر استراحت کاتب و فاصله ناشی از آن باشد. «متن‌شناس واقعی، منشأهای اشتباهات را شناسایی می‌کند: خط، آواها و قرائت، عوامل روانی و هر یک را در جای خود بررسی و به نامی و مشخصه‌ای از دیگری ممتاز می‌کند. کار این متن‌شناس درباره کاتب و

کتابت او، به حقیقت، شبیه کار روان‌شناسی است که موجودی را در دوردست تاریخ مورد مطالعه روان‌شناسانه قرار می‌دهد» (ساماران، ۱۳۷۵: ۶۶۷-۴۷).

موضوع رسم‌الخط هم خود مشکلی دیگر است، زیرا طرز نوشتن کلمات، تابع سلیقه کاتب بوده و ضابطه خیلی دقیق و ثابتی نداشته است. کاتب بیاض خوشبویی، محمد اعظم، در کتابت این اثر، از خط نستعلیق خوش بهره جسته است و نوسانات نوشتاری در اصل نسخه بسیار است. نسخه‌های خوش خط که به دست کاتب خوش‌نویس نوشته شده است، از لحاظ خوشنویسی و هنر خط ارزش زیادی دارد، اما در عوض ممکن است اغلب مغلوپ باشد و دلیلش هم این است که خوشنویسان بیشتر به فکر زیبایی بوده‌اند، نه درستی و ترجیح می‌دادند که کلمات درست نباشد، اما زیبا نوشته شود؛ در عوض، نسخه‌های کم‌غلط و به قول اهل فن مضبوط، بدخط است و کاتب فاضل برای علم زحمت می‌کشیده است نه برای خط! از این حیث، خط خوش این نسخه امتیازی برای مصحح نیست.

وجود اغلاط کتابت و سهوالقلم یا اشتباه در نسخه‌های خطی، ایجاب می‌کند که گاهی مصحح به تصحیح و تغییر متن دست یازد و این کار در تصحیح قیاسی، رخ می‌نماید. البته این نوع تصحیح چون با ذوق و سلیقه و میزان دانش مصحح ارتباط دارد، در عین حال که نشانه ارزش کار اوست، نباید بی‌پروا صورت بگیرد.

## ۶- تحلیل درون‌متنی

از راه‌های مناسب تشخیص متن ناشناخته و ناقص، بیان مباحث و مطالب آن است که چه مباحثی در فصول و ابواب آن آورده شده است. مطالعه دقیق فصول کتاب، کمک بسیاری به مصحح می‌نماید و شناساندن و استخراج آغاز و انجام کتاب، از اموری است که بدان کتاب را می‌شناسند. سنت یاد کردن آغاز و انجام و فهرست بخش‌های اثر، گویا نخستین بار از ابن‌الدیم آغاز شده است. او در سرگذشت جاحظ، از کتاب *الحيوان* او یاد کرده است و آغاز و انجام و هفت جزء آن را آورده است. او در سرگذشت اسحق بن ابراهیم موصلی هم ترتیب اجزای کتاب او را یاد کرده است (دانش‌پژوه، ۱۳۵۷: ۲۶۳).

براساس آنچه مؤلف بیاض در فهرست کتاب آورده است، اثر مشتمل بر هفده باب است:

باب اول در عطریات، باب دوم در معجونیات، باب سیوم در مراهم، باب چهارم در حلویات و اشربه، باب پنجم در اطعمه، باب ششم در قرص موم و شمع موم و موم جامه، باب هفتم در ساختن عمارت و باغ، باب هشتم در رنگ‌های الوان از کاغذ و غیره، باب نهم در اسباب شترخانه و فیلخانه و غیره، باب دهم در اسباب فرآشخانه و توشکخانه، باب یازدهم در اسباب قورخانه، باب دوازدهم در اسباب کتابخانه از قلمدان و غیره، باب سیزدهم در آتشیازی، باب چهاردهم در آیام سعد و نحس درخت بریدن و غسل کردن، باب پانزدهم در بازی‌ها، باب شانزدهم در بیان اوزان، باب هفدهم در حساب شطرنج و حقیقت ممالک محروسه و جریب.

هر بابی از اثر پیش‌رو گوشه‌ای از آداب و فرهنگ عمومی عصر خود را آشکار و بیان می‌کند. این متن از حیث محتوای اجتماعی و ارزش مردم‌شناختی، اثری بدیع و گرانسنگ است و نشان می‌دهد، طبقه اشراف و در مواردی، بدنه جامعه، برای تفریح و نشاط و آسایش در زندگی خود از چه نوع ابزار و وسایلی استفاده می‌کردند و حتی چه خلیقات، روابط، باورها، نزاکت‌ها و مزاج‌های لطیفی داشته‌اند؛ به‌عنوان مثال نویسنده در فصل دوم (در بحث خوشبویی‌های متفرقه) می‌نویسد که مردم هر روز خود را با چه عطری خوشبو سازند؛ شنبه با جوه، یکشنبه با زعفران، دوشنبه با ارگجه، سه شنبه با ملاگیر، چهارشنبه با غالیه، پنجشنبه با صندل و جمعه با عنبر و گلاب.

باب‌هایی از این اثر به کتاب آرای و کتاب‌سازی و مسایل فرهنگ مکتوب می‌پردازد؛ نویسنده برای جزوه‌گیر اسامی بسیار شاعرانه و ادیبانه پیشنهاد می‌کند همچون: انیس، امراپسند، بوستان، بهارستان، پری‌چهره، پری‌پیکر و... (برگ ۱۳۷) و از انواع کاغذ مرسوم در هندوستان مانند کاغذ سیالکوتی، کاغذ دولت‌آبادی (برگ ۱۲۱) و کاغذ قاسم‌بیگی (برگ ۱۳۹) نیز نام می‌برد و این امر گمانه‌زنی در رابطه با وابستگی آن به شبه قاره هند را بیش از پیش تقویت می‌کند.

#### ۱-۶ بررسی‌های زبانی - ادبی

بیاض خوش‌بویی، در عصر خود متنی علمی-آموزشی به شمار می‌آمده است که با توجه به تعلق نویسنده به فضای دیوانی عصر شاه‌جهانی - که محتملاً در آن، اثر تقدیم به رجالی می‌شد که «صاحب کتاب» خوانده می‌شدند (کسی که کتاب به نام وی می‌شد) - از حیث سبک نثر، از لحاظ محور طولی (به عنوان یک کل) باید در شمار نثرهای دیوانی عصر گورکانی باشد. در این بخش تمرکز بر سبک

نوشته‌های خود مؤلف است. نثرهای دیوانی پس از سده دهم تا قبل از عصر قاجار، تنوع قابل توجهی از حیث نوع داشتند: نثرهای فنی معتدل تا مصنوع متکلف و همچنین نثرهای مرسل و بینابین با کیفیت‌هایی متنوع که به ویژه در جغرافیای شبه‌قاره گاه تأثیر جریان‌هایی چون سره‌نویسی (نگارش به پارسی سره) و چندزبان‌نویسی (ترکی-فارسی، فارسی-ازبکی، فارسی-اردو و...) نیز در آنها دیده می‌شود. البته سبک نثر نیز در غالب کتب این دوره یکنواخت نیست و عمدتاً دیباچه کتاب و مقدمه‌های باب‌های آن مزین و فنی و بدنه موضوعات و حکایات، مرسل و بی‌پیرایه‌تر نگاشته می‌شده است. بلاغت متون نیز معمولاً از دو عامل نوع کتاب و اغراض مؤلف تأثیر می‌پذیرفت. بیاض خوش‌بویی، به عنوان یک متن علمی، به تبع غالب آثار این نوع، نثری مرسل دارد که در دیباچه آن آرایش نمود بیشتری دارد. به عنوان متنی متعلق به جغرافیای هند، فارغ از برخی مصطلحات فنی، نفوذ واژگان هندی در آن چندان پررنگ نیست که این احتمالاً از هویت نویسنده حکایت می‌کند که نه در شمار نسل‌های پسین مهاجران ایرانی که خود از مهاجران مرزهای شرقی است که نثر مبدأ حرکتش را در اثر حفظ کرده است. سره‌گرایی در متن دیده نمی‌شود و بسامد واژگان غیرفارسی در آن در حد معیار است.

هر متن، ویژگی‌های خاص و فردیت مؤلف را نشان می‌دهد. عناصر سبک‌ساز در یک متن ممکن است از همه امکانات زبان در هر پنج سطح زبانی (واجی، واژگانی، نحوی، معنایی و بافتی) گزینش شده باشد (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۱: ۲۱۰). در ادامه جستار، دیگر مختصات سبکی اثر را در سطوح زبانی-ادبی، در سه لایه واژگانی و نحوی (دو سطح زبانی) و بلاغی (سطح ادبی) بررسی خواهیم کرد:

#### ۶-۱-۱ بررسی واژگانی

بررسی سطح واژگانی متن نشان می‌دهد که واژه‌های پر تکرار کتاب در هفده باب اثر، بسته به موضوع ابواب متغیر است و فقط در موارد اندکی با هم اشتراک دارند. ویژگی محور واژگانی متن در عرض اثر، متأثر از ساختار تبویب و موضوعات علمی کتاب متغیر است و فراوانی واژه‌ها گویای هویت سطح واژگانی متن در این بُعد است. واژه‌های پرتکرار اثر به تفکیک باب‌ها بدین گونه است: واژه‌های پرتکرار باب اول: عنبر، گلاب، اکر، صندل، بیخ بنفشه، مسک، لوبان، کافور، شهد؛ واژه‌های پرتکرار

باب دوم: قرنفل، بنگ، نبات، زعفران، گلاب، مشک، بسباسه، جوزبویه، زنجبیل، مصطکی و اجوائین؛  
 واژه‌های پرتکرار باب سوم: رال، موم، زرد چوبه، تیل، تیل کنجد، روغن گاو؛ واژه‌های پرتکرار باب  
 چهارم: آرد، مشک زعفران، نمک، شکر، عسل، گلاب، نبات، صندل، لوبان؛ واژه‌های پرتکرار باب  
 پنجم: برنج، نمک، روغن، پیاز، دارچینی؛ واژه‌های پرتکرار باب ششم: قرص، مومریال شمع، ریسمان  
 قتیله، زردچوبه، آب، و شنگرف؛ واژه‌های پرتکرار باب هفتم: شکم طاق، پایه طاق، باغبان، گاو، چنبر  
 و طاق؛ واژه‌های پرتکرار باب هشتم: زعفران، کسوب، ساجی، معصفر، نخودی، عنابی، گلگون، و  
 زرد؛ واژه‌های پرتکرار باب نهم: جل فیل، سقرلاط، عرض، طول و قمچی؛ واژه‌های پرتکرار باب دهم:  
 پارچه، درعه، تسو (بخش کوچک از هر چیز/ وزنی برابر چهار جو)، تشک و بقچه؛ واژه‌های پرتکرار  
 باب یازدهم: گره، مخمل، و قمچی؛ واژه‌های پرتکرار باب دوازدهم: قلم، مقرض، لاک، و خریطه؛  
 واژه‌های پرتکرار باب سیزدهم: کوکنار، تفنگ، ماشه، موم، گوگرد، زرنیخ زغال و فولاد؛ واژه‌های  
 پرتکرار باب چهاردهم: نیک و بد؛ واژه‌های پرتکرار باب پانزدهم: اژدر؛ پل، رویه، تخته، مهره، اسپ،  
 آتش شیطان، باغ، شیر و کبوتر؛ واژه‌های پرتکرار باب شانزدهم (البته این باب تماماً از منابع دیگر گرفته  
 شده و از زبان نویسنده نیست): توله، ماشه، سرخ، وقیه، سیر، درم، زل، منقال، به وزن شادی آبادی،  
 قسط، طسوج (چهار یک دانگ که دو حبه باشد)؛ واژه‌های پرتکرار باب هفدهم: خانه، شطرنج، خانه  
 (خانه اول تا شصت و چهارم).

چنان که دیده شد، بسامد واژگان در محور واژگانی متن متغیری است که تحت تأثیر شاخص  
 موضوع باب در هر بخش دگرگون می‌شود، ولی در کلیت ابواب، بسامد واژگان حکمی و طبی بیش  
 از دیگر مصطلحات است که از غلبه این بخش از جنبه علمی اثر بر دیگر مواد محتوایی آن حکایت  
 می‌کند. علاوه بر این ویژگی واژگانی در عرض اثر، دیگر وجوه مشترک در سطح واژگانی متن، در  
 طول اثر، شامل موارد ذیل است:

وجود واژه‌های کهن که در فارسی کنونی تقریباً کاربردی ندارد یا کاربردشان بسیار اندک است یا  
 واژه‌های معمول با ساخت کهن یا مهجور و غریب با فراوانی نسبتاً اندک اما محسوس؛ واژه‌هایی چون  
 میده کردن (آرد کردن و کوبیدن)، دشخوار، سورت (تندی و حدت)، لیتی شدن (له شدن)، لگی  
 (کلفتی) و...

در کتاب **بیاض خوش بویی** اگرچه واژه‌های عربی بر اثر ورود فرهنگ اسلامی به طور قابل ملاحظه دیده می‌شود، به جز موارد خاصی به زبان عربی که کلمات مستعمل و نفوذیافته در پهنه گفتاری دوران کتابت و تألیف اثر بوده است، حضور زبان عربی تشخیص و فردیت خاصی ندارد. از واژه‌های عربی پربسامد کتاب به مواردی چون منقسم، مطیب، ربع آن، ضم، ایضا، مقشر و... می‌توان اشاره کرد. ترکیب‌های اضافی زبان مذکورمانند «بعده» و گاهی نیز ترکیب‌های جار و مجرور مانند «من بعد» نیز در این اثر با بسامد قابل توجهی دیده می‌شود. ذکر این مسأله نیز دارای اهمیت است که بسامد واژگان عربی در فاتحه کتاب و ابواب، به طرز محسوس و معناداری بیش از بدنه است.

به‌کارگیری برخی از اصطلاحات تخصصی پیرامون حرفه‌ها و مطالب متنوعی که متن اصلی کتاب را به خود اختصاص داده‌اند، به دو دلیل کهنگی و مهجور بودن و فراموش شدن واژه‌ها و عدم ضبط آن‌ها در فرهنگ‌ها و نیز لهجه تقریرشده برخی واژه‌های معمول در اثر که محصول جغرافیای حیات نویسنده است، کیفیت دیگری در سبک نثر کتاب در سطح واژگانی است که البته این کیفیت مانعی در مسیر تصحیح به شمار آمده است؛ از قبیل: کچلی نمودن، ری گرفتن، دودچر.

۴- از آنجا که اثر مربوط به خطه شبه قاره هند است واژه‌هایی از زبان هندی نیز در این اثر به چشم می‌خورد و فراوانی نسبی این واژه‌ها از شناسه‌های دیگر واژگانی کتاب در محور طولی اثر است؛ واژه‌هایی مانند جوکی (فرقه‌ای از مرتاضان هندی) دام (واحد وزن برابر با چهار حصه رویه) پان (تنبول) گه‌ری (مدت اندک)، پهر (یک حصه از چهار حصه روز و چهار حصه شب) تولچه یا توله (اسم وزن دوازده ماشه است)، بشکال (فصل باران هند) و...

۵- تعداد خیلی اندک از واژه‌های زبان‌ها و گویش‌های خاص دیگر نواحی نیز در اثر وجود دارد؛ مانند واژه ی «جغرات» که از واژه‌های سمرقند و به معنی «ماست» است و در کتاب چنین آمده است: «شیر را بقدری بجوشانند که جغرات بسته شود».

۶- چون بخشی از کتاب مربوط به مراهم و درمان بیماری‌هاست و این بخش از بقیه مضامین آموزشی برای نویسنده مهم‌تر بوده، برخی واژه‌های حوزه پزشکی و سلامت و نام گیاهان دارویی در آن وجود دارد که تبدیل به پربسامدترین واژه‌ها نه صرفاً در یک باب بلکه در طول اثر شده است؛ واژه‌هایی مانند برص، یرقان، ورم، قولنج، دنبیل، مرهم، زردچوبه، زنجبیل و... که پربسامدترین واژه‌های آموزشی کتاب و نتیجه رویکرد علمی غالب اثر است.



## ۲-۱-۶ بررسی نحوی

بررسی نحوی متن نشان می‌دهد، متن از حیث استقرار اجزای جمله، به هنجار زبان فارسی رسمی عصر خود کاملاً تعلق دارد. جملات غالباً با نهاد آغاز و به فعل مختوم شده‌اند و جابجایی اجزای جمله حتی با اغراض بلاغی از قبیل تأکید بسیار نادر است. ویژگی‌هایی که در سطح نحوی متن بیاض، از سطح هنجار نثر معیار فاصله گرفته، به آن تفرّد سبکی می‌دهند، عبارتند از:

- تطویل ناگزیر جملات به ویژه در موارد تجویزی باعث شده است، نویسنده برای کاهش کمیت جملات نسبت به تعداد کلمات، از ترکیب جملات در قالب جملات مرکب استفاده زیادی کرده باشد در این موارد، ابزار ترکیب استفاده زیاد از صفت مفعولی است؛ نویسنده در سراسر کتاب به طور گسترده و پشت سر هم از صفت مفعولی بهره برده است مانند: ... کوفته و بیخته و در ده شیشه گلاب با آتش نرم پخته...

- استفاده از افعال ماضی التزامی استمراری «که در گویش مردم خانیک هنوز پرکاربرد است» (اختیاری، ۱۳۹۴: ۳۸)؛ مانند «می‌داده باشند» در روساخت (با معنای «بدهند» در ژرف‌ساخت): آتش در ته دیگ نرم نرم می‌کرده باشند (بکنند) و... (برگ ۲۵). روزی دو وقت بر زخم می‌نهاده باشند (برگ ۳۸) که به معنی بنهند است.

- برخی افعال نحوی که از اغراض غیرادبی در بخش‌های بدنه حکایت می‌کند نیز در سطح نحوی دیده می‌شود؛ از جمله نویسنده در مواردی کلمات جمع را مجدداً با علامت جمع فارسی (ها) جمع بسته است؛ مانند: باقی اجزایها را کوفته... (برگ ۵۶)  
- در موارد زیادی نویسنده مفعول را ذکر و نقش‌نمای آن (را) را از روساخت حذف نموده است؛ مانند: این همه ادویه و صندل یکجا کنند، پس با گلاب یزدی تر کند (برگ ۸۵).

## ۳-۱-۶ بررسی بلاغی

از آنجا که اثر مزبور یک اثر آموزشی است نه داستانی یا هنری، نباید در آن وجود برخی عناصر بلاغی مانند مجاز و کنایه و انواع استعاره و... را انتظار داشت و ممکن است بخشی از مباحث بلاغی مانند ایجاز و اطناب چه از نوع مخمل یا مفید یا استفاده از سجع و واژه‌های هم وزن در چنین متونی به چشم بخورد؛ چنانکه در اثر مذکور فقط در برخی موارد اطناب به کار رفته است؛ مانند ... شخصی را

که پا یا دست ورم کرده باشد یا تمام اعضا ورم کرده باشد (برگ ۴۷) - "ورم کرده باشد" بدون فایده تکرار شده است - یا در جایی می‌گوید: نیله تهوته را و زاج و زنکار را صلیاه کرده (برگ ۳۰) - که علامت مفعولی «را» بدون فایده تکرار شده است.

زبان به‌کار رفته در **ریاض خوش‌بویی**، جز در برخی موارد اندک دارای تعقید لفظی و یا معنایی نیست و متن اثر نیز آن‌گونه که در برخی از دیگر آثار هم‌عصر این کتاب مشاهده می‌شود، چندزبانه نیست. در برخی موارد از ایجاز استفاده کرده است؛ مانند: اجزای دیگر را کوفته و بیخته داخل تنباکو نماید (حذف اسم اشاره و علامت مفعولی). (برگ ۱۱) و جای دیگری می‌گوید: این مرهم را هر روز چهار پنج دفعه نهند، بسیار خوب و الا (اگر چنین نکرد) دو مرتبه هم خوب است (برگ ۳۳)، که کلمه استثنا به جای یک جمله آمده است. در برخی موارد از واژه‌های هم وزن و مسجع استفاده کرده است؛ مانند این که می‌گوید: ... مریض محرور و مریض مرطوب (برگ ۱۷) - گویش متن بیشتر به زبان عامیانه نزدیک و به همان سبک گفتار عامیانه به رشته تحریر درآمده است.

- مقدمه کوتاه سه صفحه‌ای آن نسبت به بدنه کتاب فنی‌تر و بلیغ‌تر بوده و در آن استعاره، شعر و تشبیه به کار رفته است؛ چنانکه در جایی می‌گوید: به عرایس مطالب هم‌آغوش شدن دشخوار می‌نمود، (برگ ۴)، اوراق زمانی و اشجار ریاض مکانی... بیت (سپاس و شکر خدا را که در ریاض وجود/ همه عجایب کونین را سواد نمود. از سواد عدم بیاض وجود/ بی‌گمان گشت بهر او موجود (برگ ۴) ... چه بیاض چون دفتر دل عاشقان بی‌سر و پا و مانند زلف معنبر پری‌وشان پریشان می‌باشد؛ بر خلاف مجموعه کتاب که چون دل بی‌دردان و خاطر بی‌غمان جمع است (برگ ۴).

- در طول کتاب تنها به یک آیه (آیه ۱۹۱ سوره آل عمران) «ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک فقنا عذاب النار برحمتک یا ارحم الراحمین» اشاره شده و به احادیث و امثال عربی و فارسی اشاره‌ای نشده است و در یک جا هم چند بیت شعر در رابطه با بیماری‌ها و مداوای آن‌ها آورده است:

که انواع سنبات و انواع باد	که اندر تن مرد آرد فساد
شود دفع از فضل پروردگار	از او آب شهوت شود بسیار
دگر جوع در معده افزون شود	چکانیده خوردن نکوتر بود
صد و شصت علت گریزد از او	جذام و برص نیز ریزد از او

جوان گر خورد پیر کمتر شود      به پیران جوانی ز سر آورد  
 شود هر دو رخسار باریک وش      زعضونها نی زند بوی خوش  
 بواسیر و یرقان و سستی و دم      نماند زروی و رنگ و ورم  
 سپرز و دگر حمل رنج شکم      رود هقهقه نیز و قولنج هم  
 چنان پخته گردد از او خلط خام      که بیرون نیفتد ز روده تمام  
 اگر بهار و بیست ساله بود      از او نیز این جمله علت رود

بنابراین در طول کتاب از مقدمه تا پایان تنها به چند مورد معدود نظم اشاره شده است.

- در اثر مزبور صفات مرکب ساخته نویسنده به چشم نمی خورد؛ چون متن بیشتر آموزشی بوده نه ادبی که نویسنده در برخی موارد ناگزیر از استفاده آن‌ها باشد و از این رو - چنان که اشاره شد - زبان و ویژگی‌های گویشی آن بیشتر به زبان عامه نزدیک است.

- ممکن است در اثر مزبور واژه‌های زیادی تکرار شده باشد، اما تکرار آن‌ها بر اثر اقتضای مطالب بوده است و فراوانی واژه به عنوان تکیه کلام شخصی نویسنده به چشم نمی خورد.

### نتیجه‌گیری

در این جستار سعی شد، برای نقد متنی یک اثر کمتر شناخته‌شده، بر مبنای الگوی مستحصل از رویکرد نقد متنی عمل شود. بدین شکل که شناخت‌نامه نقد متنی اثر، در دو سطح «درون‌متن» و «برون‌متن» آن، ترسیم شد. مطابق این الگو، متن جُنگی از دانستنی‌های لازم برای اشراف و درباریان گورکانی و بیاضی دیوانی با رویکرد دوگانه تعلیمی و کاربردی بوده است. تک‌نسخه بودن متن مرتبط با نوع این آثار بوده که به خاطر جنبه تجربی و علمی، معمولاً در هیچ استنساخی عیناً کتابت نمی‌شدند، بلکه با اضافات، حذف‌ها و تکمیل‌نویسی تبدیل به نسخه جدیدی می‌شدند که هویت متنی مستقل داشت.

از حیث نقد منابع، منابع اثر دو نوع بوده است: منابع متنی حکمی دیوانی معاصر کتاب (چون اکبرنامه، طب‌شهایی، بیاض خان‌زمان، اسرارالنساء، مجموعه مسیح‌الزمانی، اختیارات بدیعی، و، بیاض‌هایی حکمی موسوم به نواب حکیم همام، حکیم عبدالله، رشیدخان و...) و تقریرات حکیمان و طبیبان معروف زمان. از حیث روش تصحیح، رویکرد نقد تطبیقی با متون نزدیک و جایگزینی اجتهاد

با استدلال و تبیین اولویت ضبطی و ویرایش با روش قیاسی بهترین استراتژی تصحیح است و از حیث محتوا، متن در شکل بیرونی یک بیاض است؛ بیاض علمی نوعی متن بوده که در اصل شکل درس‌نامه تجربی داشته است؛ مشابه یک جزوه درسی که با تبدیل طالب به عالم تبدیل به کتاب می‌شود، اما جنبه دیوانی باعث شده که بیاض فقط سرلوحه موضوعی متن باشد و نظم و تبویب دقیق مطالب آن هیچ شباهتی با یک بیاض که بسته بزرگی از اطلاعات است، نداشته باشد. از این حیث، کتاب در شکل درونی یک دانشنامه مبوب با محتوای آموزشی و صورت دیوانی است.

در بررسی زبانی- ادبی متن (بخش‌های متعلق به قلم نویسنده) این نتیجه حاصل شد که مؤلف با وجود جنبه آموزشی، سفارش دیوانی و وجود صاحب تاجدار، نسبت به متون آموزشی غیر دیوانی، نوعی از اغراض زیباشناختی را نیز در حاشیه اغراض آموزشی وارد متن کرده است. این کیفیت، غیریکنواخت است و در دیباچه کتاب بنابر سنت حاکم، نثر فنی و مزین، اما در ابواب، در سطح نثر مرسل کمال یافته عصر خود است. بسامد واژگان اصطلاح‌شناختی در متن نسبت مستقیم با تبویب داشته، بخش مربوط به طب و حکمت بدن در آن بیش از دیگر موضوعات است.

#### کتابنامه

- ابن‌الندیم. (۱۳۵۰). *الفهرست*. ترجمه رضا تجدد مازندرانی. تهران: ابن‌سینا.
- اختیاری، زهرا. (۱۳۹۴). «بعید آیدگی و چند زمان نادر در گویش خانیکی». *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. سال ۷. شماره ۱۲. ص ۳۸
- افشار، ایرج. (۱۳۸۰). «ایران‌شناسی: تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی» *بخارا*. سال ۶. شماره ۱۹. صص ۵۵-۷۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). «نسخه‌برگردان «جنگ مهدوی»/«بیاض قزوینی» (جنگ مهدوی: تاریخ کتابت از ۷۵۳ قمری به بعد، چاپ عکسی از روی نسخه خطی)». *نامه بهارستان*. سال ۲. شماره ۴. ۲۱۳-۲۱۱.
- افکاری، فریبا. (۱۳۸۴). «گفته‌ها و ناگفته‌ها درباره تصحیح متون». مصاحبه‌شونده: نجیب مایل هروی. *کتاب ماه کلیات*. سال ۱۸. شماره ۹۲ و ۹۳. صص ۲۵-۱۴.
- بیانی، مهدی. (۱۰۰۴). *کتاب‌شناسی کتاب‌های خطی*. به‌کوشش محبوبی اردکانی. تهران: انجمن آثار ملی.

- بیلی، گووین. (۱۳۸۷). «بیاض خوشبویی، از منابع چاپ‌نشده گورکانی در طراچی باغ». گلستان هنر. سال ۳. شماره ۱۲. صص ۱۰۹-۱۰۰.
- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین. (۱۳۸۸). تاریخ بیهقی، مقدمه، تصحیح، تعلیقات، توضیحات و فهرستها. محمد جعفر یاحقی و مهدی سیدی. تهران: سخن
- پیش‌نمازاده، قدرت‌الله. (۱۳۸۱). «آموزش نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی». پیام بهارستان. سال ۶. شماره ۱۷. صص ۵۵-۴۲.
- جهانبخش، جويا. (۱۳۸۷). «تأملات نظری کارآمد در تصحیح متون ادبی». آینه میراث. سال ۹. شماره ۴۲. صص ۷۳-۲۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). «تصحیح متون کهن: مفهوم، عناصر، روش‌ها». پژوهش و حوزه. شماره ۱۱. سال ۴. صص ۱۲۶-۱۱۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). راهنمای تصحیح متون. چاپ دوم. تهران: میراث مکتوب.
- دانش‌پژوه، محمدتقی. (۱۳۵۷). نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.
- ساماران، شارل. (۱۳۷۵). روش‌های پژوهش در تاریخ. گروه مترجمان. جلد ۴. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آستان قدس رضوی (ع).
- شاکر، احمد. (۱۴۱۵). تصحیح‌الکتب و صنع‌الفهارس المعجمه و کیفیه ضبط‌الکتاب و سبق المسلمین للإفرنج فی ذلك، اعتنی به و علق علیه و أضاف إليه: عبدالفتاح أبوغده. طبع ۲. القاهرة: مکتبه السنه. فالر، راجر. (۱۳۹۰). زبان‌شناسی و رمان. ترجمه محمد غفاری. تهران: نشر نی.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- فقیری، غلام محمد، نادر جهانگیری و محمود فتوحی رودمعجنی. (۱۳۸۶). «الگوی ساختاری — نقشی برای سبک‌شناسی گفتمان انتقادی». مطالعات ترجمه. سال ۵. شماره ۱۹. صص ۶۰-۴۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). «متن‌شناسی انتقادی (نقد متنی) نسخ یکی از نظیره‌های شاهنامه فردوسی (شاهنامه اسدی) و ارائه الگوی علمی جدیدی برای ارزیابی کیفی-کمی نسخ یک متن به یاری مطالعه موردی». مجموعه مقالات همایش شاهنامه پس از شاهنامه. مشهد: به‌نشر. صص ۳۶۴-۳۴۰.
- قائمی، فرزاد. (۱۳۹۱). «معرفی انتقادی، متن‌شناسی و نقد متنی حماسه ناشناخته شاهنامه اسدی». جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق). سال ۴۵. شماره سوم (پیاپی ۱۷۸). پاییز. صص ۱۳۱-۱۰۵.

- مایل هروی، نجیب. (۱۳۷۲). *نقد و تصحیح متون*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- میرافضلی، سیدعلی. (۱۳۸۷). «یادداشتی بر چاپ نسخه برگردان جنگ بیاض». *نامه بهارستان*. سال ۴. شماره ۱۳ و ۱۴. صص ۵۳۵-۵۲۶.
- نوشاهی، عارف. (۱۳۸۰). «بیاض خوشبویی در شرح اسباب و لوازم فرهنگ و تمدن شبه قاره در دوره تیموریان». *نامه بهارستان*. سال ۲. شماره ۲. دفتر ۴. صص ۸۶-۷۹.
- وردانک، پیتر. (۱۳۸۹). *مبانی سبک‌شناسی*. ترجمه محمد غفاری. تهران: نشر نی.
- هارون، عبدالسلام محمد. (۱۴۱۴). *تحقیق‌النصوص و نشرها*. طبع ۲. قاهره: مؤسسه الحلبي.

- Blake, Stephen, Shahjahanabad: The Sovereign City in Mughal India 1639-1739, p. 48
- Ehrman, Bart D. (2006). *Whose Word Is It?* Continuum International Publishing Group. ISBN 0-8264-9129-4.
- Epp, Eldon J. (1976) *The Eclectic Method in New Testament Textual Criticism: Solution or Symptom?*, The Harvard Theological Review, Vol. 69, No. 3/4 (July–October), pp. 211–257.
- Fairclough, Norman (2005). *Critical discourse Analysis*. Singapore.
- Greg, W. W. (1950). "The Rationale of Copy-Text". *Studies in Bibliography*. 3: 19–36. Retrieved 2006-06-04.
- Tanselle, G. Thomas (1986). "Historicism and Critical Editing". *Studies in Bibliography*. 39: 1–46. Retrieved 2006-06-04.